



The relationship between marriage and prevention of sexual deviations among young people in Sanandaj

Jahangir Valad Beigi¹✉, Zahra Mosayebi²

Abstract

Field and Aims: prevention of deviance is the most logical process to save society from social harm. By using prevention strategy, the effects of many crimes and deviations in societies can be neutralized. Considering the importance of prevention in societies, this issue has found a special function in social policies and planning. Accordingly, this research was conducted with the aim of studying the effect of marriage on the prevention of deviations among the youth of Sanandaj city.

Method: This research has studied 358 citizens of Sanandaj using a survey method and using a researcher-made questionnaire. Data collection was done through questionnaire and data analysis in two descriptive and inferential sections with Amos and Spss statistical software. The validity and reliability of the measurement tool has also been confirmed with high coefficients.

Findings and Conclusions: The results of these assumptions have shown that the three important dimensions of marriage are; Marital commitment with coefficient (0.656) and responsibility with coefficient (0.723) and self-control with coefficient (0.680) have a positive and significant effect in preventing deviations and then the results of structural equation modeling showed that all components Marriage has a positive and direct effect on the prevention of deviations. Accordingly, marriage, as a legal and cultural matter, makes a person mentally and physically resistant to control deviations.

Keyword: Marriage, Deviation, prevention, youth, Sanandaj.

*Citation (APA): Valad Beigi, J; Mosayebi, Z. (2023). The relationship between marriage and prevention of sexual deviations among young people in Sanandaj. *Applied criminology research*, 1(2), 1-22.

https://qacr.ir/article_715979.html?lang=en

1. Assistant Professor of Theology Department, Farhangian University, Sanandaj, Iran. (Author). Email: jahangirvalabeigi313@outlook.com

2. PhD in Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Farhangian University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: zahra.mosayebi1362@gmail.com



رابطه بین ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی در بین جوانان شهر سندرچ

جهانگیر ولدییگی^۱، زهرا مسیبی^۲

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری از انحراف منطقی ترین روند برای نجات جامعه از آسیب های اجتماعی است. با استفاده از راهبرد پیشگیری می توان اثرات بسیاری از جرایم و انحرافات را در جوامع خنثی کرد. با توجه به اهمیت پیشگیری در جوامع، این مهم کارکرد ویژه ای در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های اجتماعی پیدا کرده است. بر همین اساس، این پژوهش با هدف مطالعه تاثیر ازدواج بر پیشگیری از انحرافات در بین جوانان شهر سندرچ انجام شده است.

روش: این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ۳۵۸ نفر از شهروندان شهر سندرچ را مورد مطالعه قرار داده است. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی با نرم افزارهای آماری Amos و Spss انجام شده است. روایی و پایایی ابزار سنجش نیز با ضرایب بالایی مورد تایید قرار گرفته است.

یافته ها و نتایج: نتایج حاصل از این فرضیات نشان داده است که سه بُعد مهم ازدواج، یعنی تعهد زناشویی با ضریب (۰/۶۵۶) و مسئولیت پذیری با ضریب (۰/۷۲۳) و خود کنترلی با ضریب (۰/۶۸۰) در پیشگیری از انحرافات، اثر مثبت و معناداری دارند و سپس، نتایج حاصل از مدلسازی معادله ساختاری نشان داده که همه مولفه های ازدواج اثر مثبت و مستقیمی بر پیشگیری از انحرافات دارند. بر همین اساس، ازدواج به عنوان یک امر قانونی و فرهنگی هم به لحاظ روحی و هم به لحاظ جسمی فرد را برای کنترل انحرافات مقاوم می کند.

کلیدواژه ها: ازدواج، انحراف، پیشگیری، جوانان، سندرچ.

* استناددهی (APA): ولدییگی، جهانگیر؛ مسیبی، زهرا. (۱۴۰۲). رابطه بین ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی در بین جوانان شهر سندرچ. پژوهش های جرم شناسی کاربردی، (۲)، ۱-۲۲.

https://qacr.ir/article_715979.html

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، سندرچ، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: jahangirvalabeigi313@outlook.com

۲. دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: zahra.mosayebi1362@gmail.com

مقدمه

ازدواج به عنوان یک امر اجتماعی بستر تشکیل نهاد خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که سلامت خانواده و اجتماعی به طور مستقیمی وابسته به نهاد ازدواج است (استون، ۲۰۱۹: ۲). ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. این پدیده در همه جوامع سرآغاز تشکیل خانواده است و خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان دارد (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۷). خانواده اساسی‌ترین و در عین حال، قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است و پویایی و استمرار آن و کارکردهایش همواره در طول زمان حائز اهمیت است. ازدواج زیربنای شکل‌گیری خانواده است و خانواده به عنوان نخستین محیط شکل‌گیری شخصیت انسان، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به ویژه این که روابط والدین بر رشد سالم و متعادل عاطفی - روانی می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. به درستی که هیچ جامعه‌ای اگر از خانواده‌ای سالم برخوردار نباشد، نمی‌تواند ادعای سلامتی کند. هرچه خانواده از سلامت، آگاهی، صداقت، فرهنگ و باورهای سالم‌تر، بهتر و محکم‌تری برخوردار باشد، انسان‌های سالم‌تر و کارآمدتری تحویل اجتماع می‌دهد. معمولاً، نقطه شروع خانواده ازدواج است و ازدواج امری جهانی است که در تمام جوامع و در طول تاریخ وجود داشته و به مجموعه‌ای از نیازهای انسانی پاسخ می‌دهد (معمدین و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۴). همچنین، ازدواج بنیادی‌ترین و بارزترین رابطه انسانی است، چرا که از طریق ازدواج ساختار خانواده شکل گرفته و تربیت و بقای نسل امکان‌پذیر می‌شود (ملکی آوارسین و سیدنظری، ۱۳۹۷: ۷). از منظر قرآن و احادیث، ازدواج دارای مصادیق متفاوت بوده و نقش ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی زنان شامل: تأمین نیازهای جنسی، مصونیت از گناهان جنسی، تقویت عفاف جنسی و رعایت حقوق جنسی است (محمودی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۳). تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می‌شود و خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، به وجودآورنده جامعه بنیادی و اساسی بشریت است. دو نفر که از لحاظ جنسیت با هم متفاوت هستند، متقابلاً به وسیله نیروی غریزه و عشق به همدیگر جذب شده و به طور کامل به همدیگر متعهد می‌شوند تا یک واحد پویای مولد را شکل دهند. ازدواج در جامعه متغیر امروزی، یک پدیده پیچیده است و انسانها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی که مسایل اولیه هستند، عشق، امنیت اقتصادی، مجالست، محافظت، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علائق مشترک و داشتن فرزند بعضی از عواملی هستند که

می‌توانند باعث گرایش یک شخص به ازدواج شوند (جانیتئوس^۱، ۲۰۰۴: ۱۸؛ شاه‌سیاه و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹۱). از طرفی هم خانواده به عنوان مهمترین کانون اجتماعی بشری، عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه و ملت است، لذا سعادت هر جامعه‌ای منوط به نیکبختی خانواده‌های آن جامعه است؛ در نتیجه، باید هر چه بیشتر در راه رسیدن به سعادت‌مندی آن جامعه تلاش کرد. بنابراین، مهمترین پیش‌شرط دستیابی به سعادت‌مندی خانواده از راه شناسایی کامل عوامل تحکیم بنیان خانواده امکان‌پذیر است (نوابخش و محمدی، ۱۳۹۵: ۳۹). امروزه، عوامل زیادی با پدیده ازدواج مرتبط شده‌اند و میزان ازدواج در بسیاری جوامع عموماً با مسایل اقتصادی مرتبط است و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که درآمد پایین و بی‌ثباتی اقتصادی موانع اصلی ازدواج در بین زوجینی است که قبل از ازدواج دارای فرزند شده‌اند (کوهن و پپین^۲، ۲۰۱۸: ۲).

نظریه‌پردازان جمعیت‌شناسی پیشنهاد می‌کنند که تغییر از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های فردی مانند خودمختاری و تحقق خود، روند ازدواج را به کنده محقق کرده و امروزه، فردگرایی به عنوان شیوه‌ای از درک مردم نسبت به جهان، از جمله انتظارات آنها را از ازدواج و روابط عاطفی نزدیک دگرگون کرده است (استراندل^۳، ۲۰۱۸: ۷۶). همچنین، عدم تمایل بسیاری از جوانان به ازدواج، بسیاری از سیاست‌های اجتماعی جوامع را تغییر داده و حمایت‌های دولتی از ازدواج در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها مرسوم شده است (فینچام و بیچ^۴، ۲۰۱۰: ۶۳۱). بنابراین، عدم تمایل به ازدواج در جامعه می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی منجر شود که برای نظام اجتماعی نامناسب هستند؛ چرا که ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسیتی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و بخاطر اهمیت و تأثیری که دارد، به عنوان هنجاری مقبول در همه کشورهاست. به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، بی‌توجهی والدین نسبت به ازدواج امری ناپسند به شمار می‌آید؛ چرا که بقای خانواده در گرو بقا و ساماندهی ازدواج است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). علاوه بر این، ازدواج و رضایت جنسی زوجین از همدیگر باعث تحکیم روابط زناشویی شده و آنها را از انحرافات جنسی باز می‌دارد (مانجولا^۵ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۳۴). همچنین، بقا و موفقیت ازدواج در گرو تفاهم و تقارن بین زن و مرد است و تشخیص این تقارن در دوران

1. Janetius
2. Cohen & Pepin
3. Strandell
4. Fincham & Beach
5. Manjula

آشنایی و نامزدی می‌تواند پایه‌های این پیوند را باثبات کند و یک ازدواج باثبات به کارکرد کلی نظام اجتماعی کمک می‌کند. علاوه بر این در دهه‌های اخیر، ازدواج کارکرد چندملیتی پیدا کرده و ازدواج ابزاری برای مهاجرت و کسب اقامت در بسیاری از کشورها شده است. مهاجرت ازدواج در کشورهای آسیایی معمولاً شامل عروس‌هایی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و شوهرانی از کشورهای پیشرفته‌تر است که برای زنان، مهاجرت ازدواج فرصتی برای بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی آنها فراهم می‌کند و برای مردانی که نتوانسته‌اند در کشورهای خود شریک زندگی پیدا کنند، مهاجرت ازدواج به آنها امکان ازدواج با همسر خارجی را می‌دهد (جونگ و سیم^۱، ۲۰۲۰: ۸۲).

همچنین در سال‌های اخیر، پدیده ازدواج که منشأ وقوع ولادت و باروری است، به عنوان عامل بسیار موثر در ساخت سنی و جنسی جمعیت و افزایش آن محسوب می‌شود. در ایران نیز ازدواج دستخوش تحولات قابل توجهی شده است و ازدیاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از یک‌سوم جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند و حاصل افزایش شدید موالید دهه ۶۰ هستند از یک سو و از سوی دیگر، بازتاب تحولات واقع شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نظیر افزایش شهرنشینی و باسوادی و به ویژه، تحصیلات زنان و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج که از نشانه‌های حرکت جامعه به سوی مدرنیته شدن است، افزایش سن ازدواج در کشور را برای دولتمردان و جامعه‌محققان نگران‌کننده کرده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۰۷). اضافه بر این، پیامدهای نامطلوب تاخیر ازدواج بر کسی پوشیده نیست و ازدواج از جنبه جامعه‌شناختی، دارای ساختار، ماهیت، کارکرد و پیامدهای اجتماعی پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده مثبت یا منفی، آسیب‌زدا یا آسیب‌زا است که کنش و واکنش اجتماعی اعضای جامعه و ساختارهای اجتماعی را متأثر می‌سازد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۳: ۳). در واقع، میل به ازدواج از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای نوع انسانی در جامعه بشری است که فقدان آن می‌تواند عوارض نامطلوبی به دنبال داشته باشد. ازدواج می‌تواند از اشاعه فحشا، فساد و رفتارهای ناپسندی که می‌تواند پیامد مستقیم عنان‌گسیختگی غرایز جنسی باشد، جلوگیری کند و یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه است. از نقطه‌نظر اجتماعی، بدون تردید ازدواج واجد ارزش است و از آن جمله، آداب اجتماعی است که در تمام جوامع بشری آن طور که تاریخ نشان می‌دهد تا به امروز، متداول بوده و این خود دلیلی بر اهمیت آن در ادوار مختلف است و تغییر در الگوی ازدواج یکی از

شاخص‌های اصلی تغییرات اجتماعی است که در افزایش سن ازدواج یا عدم تمایل به ازدواج در جوانان بروز کرده است. حال، اگر شواهد نشان‌دهنده کاهش بسیار در میزان ازدواج باشد، جامعه با فروپاشی خانواده و در نهایت، نوگرایی افراطی روبرو خواهد بود و بروز جرایم مشخصی مانند انحرافات مختلف، یکی از نتایج آن خواهد بود. موضوع ارتکاب جرایم جنسی از جمله آزار جنسی زنان کشورهای اسلامی در مقایسه با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی، به دلیل وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی محدود است، ولی نفس ارتکاب این جرایم نشان از وجود آسیب‌هایی اجتماعی و فرهنگی دارد که لازم است با استفاده از رهیافت‌های دینی و کنترل اجتماعی دین و به ویژه سیاست جنایی اسلام، به صورت ریشه‌ای با آن مبارزه کرد (عطاشنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹). جرایم جنسی عواملی مانند مزاحمت جنسی و تجاوز و مزاحمت کلامی با قربانی را شامل می‌شود (چیو و لکرس^۱، ۲۰۲۱: ۲۲۳). با افزایش توجه رسانه‌ها به مجرمان جنسی که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، محققان شروع به بررسی دقیقتر افکار عمومی در مورد جرایم جنسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که مردم به چندین باور غلط در مورد جرایم جنسی پایبند بوده و از مجازات‌های سختگیرانه برای بزهکاران پشتیبانی می‌کنند (کینگ^۲، ۲۰۱۹: ۲۵۴). در آمریکا نیز شدت جرایم جنسی در بین سربازان مصدوم و کهنه‌سربازان به شدت زیاد است (فینالی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۶۰) و در ایران نیز جرایم جنسی با رشد مضاعفی همراه شده است (حسینی و صفری، ۱۳۹۴: ۱۴۸). بر همین اساس، این پژوهش درصدد است تا اثر ازدواج بر انحرافات جنسی را مورد مطالعه میدانی قرار دهد و با استفاده از پشتوانه نظری موجود، فرضیه‌های موجود در این حوزه را آزمون کند.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

محمودی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «نقش ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی زنان از منظر قرآن و عهدین» به تحلیل بررسی و نقش ازدواج در پیشگیری از انحرافات پرداخته‌اند. روش این پژوهش مروری و تحلیل اسناد، آیات و روایات بوده است. نتایج نشان داده که از منظر قرآن و عهدین، ازدواج دارای مصادیق متفاوت بوده و نقش ازدواج در

1. Chiu & Leclerc
2. King
3. Finlay

پیشگیری از انحرافات جنسی زنان شامل: تامین نیازهای جنسی، مصونیت از گناهان جنسی، تقویت عفاف جنسی و رعایت حقوق جنسی است. علی رغم آن که قرآن و عهدین در ارائه این نقش ها با یکدیگر همسو هستند؛ اما تفاوت دیدگاهی نیز در آنها مشهود است. قرآن ازدواج را، راهکار اولیه و در بخشی از عهدین، ازدواج راهکار ثانویه برشمرده شده است.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مولفه های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق» به روش کمی و پیمایشی به تحلیل تحکیم خانواده پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان دهنده این است که حدود نیمی از دختران و پسران در آستانه ازدواج تمایلی به ازدواج ندارند و زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی برای تامین نیازهای اساسی یک زندگی برای ایشان متناسب با الگوها و ساختارهای امروز جامعه ایران فراهم نشده است. از دیگر سو تغییرات جدی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور ضمن ایجاد تغییرات ژرف در ساختارهای اجتماع- اقتصادی کشور، موجبات بروز تغییرات اساسی در جنس و نوع مناسبات اجتماعی از جمله در نحوه گزینش همسر از همسان گزین به سمت نا همسان گزین شده است و این امر در ترکیب با سایر مولفه های کلان و خرد اجتماعی موجب بروز چالش های جدی برای بقا و تعالی خانواده های ایرانی شده است. در نهایت با بررسی فرضیه های مطرح شده پژوهش حاضر، رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حمایت های اجتماعی با تحکیم بنیان خانواده تایید شد.

نورعلیزاده میانجی و رحیمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت جنسی خانواده و نقش آن در اخلاق مداری و سلامت جنسی فرزندان» به روش کیفی به تحلیل کارکردهای مثبت ازدواج پرداخته است. یافته ها نشان داده است که سه راهبرد مدیریتی؛ تعدیل و هدایت جنسی فرزندان، پرورش و درونی سازی عفت ورزی و پیشگیری از ایجاد زمینه های انحراف و اختلال جنسی در سلامت جنسی خانواده نقش دارند. به طور کلی والدین در رویکردی خانواده محور، می توانند نقش اساسی در رشد و تربیت جنسی، توانمندسازی و ارتقای اخلاق مداری و در نتیجه، تأمین سلامت جنسی فرزندان داشته باشند.

ادبیات مفهومی و نظری

ازدواج موفق در هر جامعه دارای رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است و در واقع، تعهد زناشویی، قویترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است

(موسکو^۱، ۲۰۰۹: ۱۱). تعهد زناشویی فقط به رفتارهای جنسی محدود نیست و در بسیاری از رفتارهای درون‌خانه هم تعهد زناشویی مهم است (تانگ و کران^۲، ۲۰۱۳: ۱۵۹۸). تعهد زناشویی بر کیفیت ازدواج تاثیر مستقیمی دارد و باعث بهبود روابط عاطفی بین آنها می‌شود (کائو^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۲۲). تعهد دائم به ازدواج، وفاداری نسبت به همسر خویش، ارزش‌های اخلاقی قوی، احترام نسبت به همسر خویش به عنوان بهترین دوست و تعهد نسبت به وفاداری جنسی از ویژگی‌های ازدواج‌های رضایت‌بخش با عمری بیش از ۲۰ سال هستند (دولاهیت و لامبرت^۴، ۲۰۰۷: ۲۹۱). به طور کلی، تعهد زناشویی حدسی است که در آن، افراد دیدگاه‌های بلندمدت روی ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند، برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواج پاداش‌دهنده نیست، می‌مانند (هارمون^۵، ۲۰۰۵: ۵۸). اگرچه تعهد یا قصد برای ادامه رابطه اغلب سازه‌ای کلی در نظر گرفته می‌شود، اما صراحتاً به سه نوع تقسیم می‌گردد (آدامز و جونز^۶، ۱۹۹۷؛ جانسون^۷، ۱۹۹۹). این ۳ نوع تعهد شامل: الف) تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی)، براساس تمایل به باقی‌ماندن در رابطه، ب) تعهد به ازدواج (تعهد اخلاقی مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی و پیمان‌های یکپارچگی و مسئولیت) و ج) تعهد اجباری بر اساس به‌دام‌افتادن در یک رابطه به دلیل هزینه‌ها و مشکلات موجود در فسخ‌کردن پیوند است (آدامز و جونز، ۱۹۹۷؛ جانسون، ۱۹۹۹).

بعد دیگر ازدواج، مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب فعالیت‌هایی است که برعهده‌اش گذاشته شده است و از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، مسئولیت، تعهدی است که انسان در قبال امری می‌پذیرد و کسی که کاری به او واگذار شده، پیامد آن به عهده اوست. گلاسر معتقد است که مشکل انسان‌ها و ناهنجاری‌های آنها از مسئولیت‌نپذیرفتن آنهاست، زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت صحیح انسان‌دوستانه ارضا کنند (گلاسر^۸، ۲۰۰۹: ۲۱). انسان‌های مسئولیت‌پذیر در پی کسب موفقیت‌های ارزنده‌تر، درآمد بیشتر، انجام کارهای مهمتر و احراز موقعیت‌های اجتماعی بالاتر هستند. این افراد اگر در کاری شکست بخورند یا در

1. Mosko
- 2 Tang & Curran
- 3 Cao
- 4 Dollahite & Lambert
- 5 Harmon
- 6 Adams & jons
- 7 Johnson
- 8 Gilaser

زندگی زناشویی دچار اشتباهی شوند، به جای تکیه بر اسنادهای بیرونی، درصدد اصلاح آن برمی آیند؛ چرا که ازدواج در بسیاری از کشورها ترکیبی خلاقانه از عشق و مسئولیت پذیری است (نتیگ^۱، ۲۰۱۰: ۷۰۷). همچنین، مسئولیت پذیری از جمله مهارت‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا به شکوفایی برسند و وظایف خود را به طور کامل و صحیح انجام دهند (گلاسر، ۲۰۰۹: ۶۷). بنابراین، افراد برای برخورداری از احساسات بهتر نسبت به زندگی باید مسئولیت پذیر باشند. وجود انسان‌های سرد و بی تفاوت و بی هدف ناشی از تربیتی است که در آن، احساس مسئولیت مطرح نبوده است (خطیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷). به طور کلی، مسئولیت پذیری در ازدواج مهمترین عامل بازدارنده در تجاوز و جرایم جنسی است و در تحقیقات زیادی، این رابطه معنادار بوده است (کوتانن و کرونستد^۲، ۲۰۱۹: ۳۵۸).

در نهایت، آخرین بُعد ازدواج، مفهوم خودکنترلی است. تفاوت‌های مهم فردی و قابل سنجش ویژگی‌های رفتاری را خودکنترلی می‌نامند. خودکنترلی بیانگر میزان مطابقت ویژگی‌های رفتاری خود با شرایط و موقعیت موجود است (کرتینر و کینیکی^۳، ۱۳۸۴: ۱۷۴). خود کنترل اولیه نقش مهمی در تولید انحرافات بعدی خود دارد (ویلکوویسکی^۴ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۳۱۵). علاوه بر این، ازدواج باعث کاهش پرخاشگری فیزیکی و روانی در بین زوج‌های متاهل می‌شود و در ۹۰ موارد، کاهش پرخاشگری فیزیکی در جوانان پسر با ازدواج مورد انتظار است (بریث‌ویت و فینچام^۵، ۲۰۱۴: ۱۲).

همچنین، انعکاس تفاوت‌های فردی در تمایلات است که شکل مشخصی در مدیریت احساسات و عواطف به خود می‌گیرد. مفهوم خودکنترلی که در سال ۱۹۷۴ توسط اشنایدر^۶ گسترش یافت، به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود چه قدر انعطاف‌پذیری دارد یا چه قدر پایدار است. او بیان می‌کند افراد در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو دسته تقسیم می‌شوند: افراد با خودکنترلی بالا و افراد با خودکنترلی پایین؛ که هر کدام ویژگی‌های متفاوتی دارند (کجدال^۷، ۲۰۰۳: ۳۷۴). در همین راستا، برخی افراد نسبت به موقعیت‌های اجتماعی حساس هستند و ظاهر خود را متناسب با موقعیت رایج تنظیم می‌کنند؛ این افراد دارای خودکنترلی بالا هستند و در مقابل، افرادی هستند با خودکنترلی پایین که تمایل دارند فکر و احساس خود را بیان نمایند تا این که آن را متناسب با موقعیت سازماندهی کنند. به طور کلی،

1 Netting

2 Kotanen & Kronstedt

3 Kerttiner & Kinicki

4 Wilkowski

5 Braithwaite & Fincham

6 Schneider

7 Kajdall

خود کنترلی یک ظرفیت انسانی بسیار سازگار است و بر این اساس، توسعه کنترل خود به طور گسترده ای تشویق می شود؛ در حالی که فواید داشتن خودکنترلی به خوبی اثبات شده است (اوزل و بومیستر^۱، ۲۰۱۷: ۶۹۳).

در نهایت، ازدواج به عنوان مدلی از زندگی خوب به پیشگیری موثر از جرم و انحراف کمک می کند و این ازدواج در جوانی به طور گسترده ای به عنوان الگوی برتر برای هدایت و درمان مجرمان در نظر گرفته شده است و ازدواج با افزایش رضایت شخصی به طور طبیعی منجر به کاهش انحرافات و عوامل جرایم می شود (آندرو^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۷۳۶). بنابراین، با توجه بر ادبیات نظری موجود می توان ازدواج را به عنوان یک بازدارنده یا پدیده ای پیشگیرانه از جرم تلقی کرد که صحت و سقم آن را با داده های آماری در جوامع مختلف می توان مورد سنجش قرار داد.

به طور کلی ادبیات نظری این پژوهش بر مفهوم ازدواج و ابعاد آن متمرکز است و بر همین اساس، پدیده ازدواج می تواند پیامدهای مطلوبی را برای جامعه به دنبال داشته باشد. نظریه پردازان و اندیشمندان بزرگی بر مفهوم خانواده و کارکردهای آن تمرکز دارند. به عقیده دورکیم، خانواده تحولات عمده ای را پشت سر گذاشته است. از نظر دورکیم، خانواده گروه طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد، بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده اند؛ زیرا قاعده دورکیم به این است که هر عمل اجتماعی را به وسیله یک عامل اجتماعی دیگر تبیین می کند. از طرف دیگر، خانواده زن و شوهری که بر مبنای ازدواج است، انتهای تحولی است که در جریان آن، خانواده پدید می آید؛ به طوری که ارتباط مستقیم فرد با اجتماع وسعت بیشتری می گیرد. این تحول از اولین شکل خانواده که یک گروه سیاسی - خانوادگی است، آغاز می شود و پس از گذشت از مراحل کلانی در خانواده پدر پسری رم قدیم در خانواده پدری ژرمنی، به خانواده زن و شوهری امروز منتهی می شود. خانواده هسته ای کوچکترین واحد خانوادگی است که هم اسلاف از آن جدا شده اند و هم اخلاف در آن به غایت اندک است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در تئوری گزینش معقولانه هکتر، تمایز اساسی میان این تئوری با سایر تئوری های مطرح در خصوص ازدواج این است که اکثر نظریات به ازدواج بیشتر به عنوان یک عمل اخلاقی می نگرند، اما این تئوری بیشتر به ازدواج از دیدگاه فایده گرایانه می نگرد. متفکرانی که بر اساس تئوری گزینش معقولانه به تبیین عمل جمعی می پردازند، بر این باورند که مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آنها در آن رفتار بیشتر

1. Uziel & Baumeister
2. Andrews

تامین می‌شود. این تئوری معتقد است این افراد آگاه و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه‌کردن سود خود هستند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹). در زمینه ازدواج، با بهره‌گیری از تئوری گزینش معقولانه می‌توان اذعان داشت که افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد؛ یعنی بتوانند از طریق ازدواج پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ترقی دهند. از دید تئوری نوگرایی آنتونی گیدنز نیز یکی از مهمترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح، بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۴۴). در همین ارتباط، افزایش اعتیاد، جرایم جنسی، فریبکاری و کلاهبرداری و تجربیات تلخ دیگران در این موارد که در کنار توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت که آدم‌ها را با هم بیگانه کرده است، موجب بی‌اعتمادی و حداقل دیراعتمادی افراد به یکدیگر می‌شود که نقطه عطف و حساس این مسأله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان می‌دهد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که درک بی‌اعتمادی جنسیتی در کاهش نرخ ازدواج در میان جمعیت‌های مختلف نقش دارد (نوماگوچی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۰۳۲). به طور کلی، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چندزنی، قابلیت فرزندآوری، پایین‌بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و... تغییر کنند. در واقع، به عقیده گیدنز، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادانه‌تر همسر، به رسمیت شناخته‌شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های خانوادگی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان از جمله تغییرات عمده‌ای است که در خانواده اتفاق افتاده است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۲۴).

بر اساس تئوری بی‌سامانی اجتماعی مرتن که یکی از تئوری‌های غالب در تحلیل مسائل اجتماعی است، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. بر اساس این رهیافت، هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا بطور کلی‌تر، در ساختار جامعه، هماهنگ باشند، با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبرو خواهیم بود (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۹۵: ۷۶). پس، بر اساس دیدگاه مرتن می‌توان اذعان کرد که پدیده

1. Nomaguchi

اجتماعی ازدواج به عنوان یکی از اهداف تعیین شده جامعه با راه‌ها و وسایل مورد نیاز در جهت نیل به آن هماهنگ نیست. چنین گسستی میان اهداف و راه‌های نیل به آن بر اساس دیدگاه مرتن، جامعه را دچار بی‌سامانی می‌کند که حاصل آن، بوجود آمدن افراد کجرو و بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و جرایم جنسی است.

در تئوری فردگرایی آلکسی دو توکویل نیز جامعه دموکراتیک، جامعه‌ای فردگراست که در آن، هرکس همراه با خانواده‌اش می‌کوشد تا از دیگران جدا شود (آرون، ۱۳۹۵: ۲۸۸). در واقع، فردگرایی آیین یا اصول اخلاقی است که منافع و علایق فرد را برتر از جمع می‌شمارد و احساسی است که هر عضو جامعه از خانواده و دوستان خویش کنار می‌کشد و نوع معینی از جامعه را تشکیل می‌دهد که در آن، احترام اندکی به سنت‌ها گزارده می‌شود. فردگرایان به لحاظ عاطفی جدا از درون گروه‌های خود هستند و به اتکای به خود، استقلال، لذت و تعقیب خوشبختی تاکید می‌کنند (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۱۶۶). بر همین اساس، فردگرایی به شکل افراطی خود می‌تواند بر افزایش انحرافات موثر باشد. بنابراین، نهاد خانواده در سه بُعد مهم: تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی می‌تواند اثر مضاعفی بر جرایم جنسی داشته باشد.

روش

این پژوهش با توجه به ادبیات گسترده مرتبط با ازدواج و پیشگیری از انحرافات از نوع کمی و پیمایشی است که با تدوین فرضیاتی، وضعیت یک جامعه دیگر را مورد سنجش قرار می‌دهد. همچنین، این پژوهش به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و از نظر وسعت، پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان ۲۰ تا ۶۰ ساله شهر سنندج هستند که حجم نمونه بر اساس جدول لین و مورگان، تعداد ۳۵۸ نفر برآورد شده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آن‌ها انجام گرفته است. جهت احراز اعتبار پرسشنامه از دو شیوه اعتبار محتوا (صوری) و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالای ۰/۷ بوده است. پرسشنامه پژوهش علاوه بر متغیرهای جمعیت‌شناختی، دارای دو بُعد کلی ابعاد ازدواج و انواع انحرافات جنسی است. ابعاد ازدواج شامل سه شاخص اصلی: تعهد زناشویی (۱- تعهد نسبت به همسر، ۲- تعهد به ازدواج و ۳- تعهد اجباری)؛ مسئولیت‌پذیری زناشویی (۱- مسئولیت‌پذیری بالا و ۲- مسئولیت‌پذیری پایین) و خودکنترلی (۱- خودکنترلی کم، ۲- خودکنترلی متوسط و ۳- خودکنترلی زیاد) است. همچنین، انواع انحرافات جنسی نیز شامل ارتباط با جنس مخالف، روابط عاشقانه خارج از عرف، سکس

مجازی و ارتباط تلفنی، سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان، لواط و همجنسگرایی است. در نهایت، داده‌های گردآوری شده به کمک نرم‌افزارهای *Spss* و *Amos Graphics* تحلیل شدند. به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی، از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

در این بخش، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضرایب دومتغیره همبستگی پیرسون آزمون شده‌اند:

۱- بُعد تعهد زناشویی ازدواج بر پیشگیری از انحرافات جنسی تأثیر دارد. جهت آزمون فرضیه بالا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ برآوردهای مربوط به این ضریب در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۱- ضریب همبستگی بین بُعد تعهد زناشویی ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی

پیشگیری از انحرافات جنسی			متغیر
تعداد	سطح معناداری	ضریب پیرسون	
۳۵۸	۰/۰۰۰	۰/۶۵۶	تعهد زناشویی

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان‌دهنده این است که رابطه بین بُعد تعهد زناشویی ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی با ضریب (۰/۶۵۶)، رابطه مستقیم و معناداری است. مثبت بودن جهت رابطه به این معنی است که با افزایش سطح تعهد زناشویی، پیشگیری از انحرافات جنسی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد گویای این واقعیت آماری است که نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

۲- بُعد مسئولیت‌پذیری ازدواج بر پیشگیری از انحرافات جنسی تأثیر دارد. جهت آزمون فرضیه بالا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ برآوردهای مربوط به این ضریب در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین بُعد مسئولیت پذیری ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی

متغیر	پیشگیری از انحرافات جنسی		
	ضریب پیرسون	سطح معناداری	تعداد
مسئولیت پذیری	۰/۷۲۳	۰/۰۰۰	۳۵۸

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان دهنده این است که رابطه بین بُعد مسئولیت پذیری ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی با ضریب (۰/۷۲۳)، رابطه مستقیم و معناداری است. مثبت بودن جهت رابطه به این معنی است که با افزایش سطح مسئولیت پذیری در ازدواج، پیشگیری از انحرافات جنسی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد گویای این واقعیت آماری است که نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

۳- بُعد خود کنترلی ازدواج بر پیشگیری از انحرافات جنسی تاثیر دارد.

جهت آزمون فرضیه بالا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ برآوردهای مربوط به این ضریب در جدول زیر گزارش شده است.

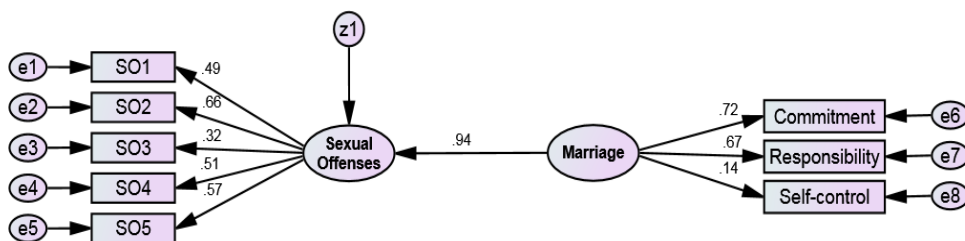
جدول ۴- ضریب همبستگی بین بُعد خودکنترلی ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی

متغیر	پیشگیری از انحرافات جنسی		
	ضریب پیرسون	سطح معناداری	تعداد
خودکنترلی	۰/۶۸۰	۰/۰۰۰	۳۵۸

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان دهنده این است که رابطه بین بُعد خودکنترلی ازدواج و پیشگیری از انحرافات جنسی با ضریب (۰/۶۸۰)، رابطه مستقیم و معناداری است. مثبت بودن جهت رابطه به این معنی است که با افزایش سطح خودکنترلی در ازدواج، پیشگیری از انحرافات جنسی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد گویای این واقعیت آماری است که نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

آزمون مدل

در راستای آزمون فرضیات که همه نتایج مورد تایید واقع شد، مدلسازی معادله ساختاری روابط بین متغیرها نیز بررسی می‌شود. به منظور تعیین شدت و جهت رابطه بین متغیرهای اصلی، از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این مدل، اثر تحلیل ساختاری متغیرهای پژوهش بر روی همدیگر بررسی شده و هدف آن، پیش‌بینی متغیر وابسته از روی متغیر مستقل است. در این مدل، اثر کلی متغیر ابعاد ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی آزمون شده است.



شکل ۱- مدل معادله ساختاری اثر کلی متغیر ابعاد ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی

در مدل فوق، متغیر اصلی (ابعاد خانواده) که با سه مولفه اصلی تعهد زناشویی (Commitment)، مسئولیت‌پذیری (Responsibility) و خودکنترلی (Self-control) تعریف شده است، بر متغیر پیشگیری از انحرافات جنسی با ابعاد پنج‌گانه جرایم جنسی: ارتباط با جنس مخالف (SO1)، روابط عاشقانه خارج از عرف (SO2)، سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان (SO4) و لواط و همجنسگرایی (SO5) تاثیر دارد. اثر کلی این رابطه ۰/۹۴ شده است و به این معنی است که مقوله ازدواج با سه بُعد تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی توانسته است اثر مثبت و معناداری بر پیشگیری از انواع انحرافات جنسی داشته باشد. همچنین، در تبیین متغیرهای اصلی هم ابعاد آنها توانسته است تبیین بالایی داشته باشند و در تبیین متغیر ازدواج، مولفه تعهد زناشویی با ضریب ۰/۷۲، بیشترین توان تبیین ازدواج را داشته است. در ارتباط با انواع جرایم جنسی نیز روابط عاشقانه خارج از عرف (SO2) با ضریب ۰/۶۶، بیشترین توان تبیین انواع جرایم جنسی را دارد.

جدول ۵- برآورد وزن های رگرسیونی اثر ابعاد ازدواج در پیشگیری از جرایم جنسی با نرم افزار

Amos

			Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
Offenses Sexual	<---	Marriage	.788	.136	5.781	***	
SO1	<---	Offenses Sexual	1.000				
SO2	<---	Offenses Sexual	.919	.233	3.952	***	
SO3	<---	Offenses Sexual	1.201	.193	6.217	***	
SO4	<---	Offenses Sexual	1.116	.205	5.433	***	
SO5	<---	Offenses Sexual	1.316	.227	5.788	***	
Commitment	<---	Marriage	1.000				
Responsibility	<---	Marriage	1.296	.159	8.166	***	
Self-control	<---	Marriage	.276	.148	1.867	.042	

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است که فرضیه اصلی پژوهش با اطمینان بالایی تایید شده است و اثر ابعاد ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی معنادار بوده است. این یافته ها در مدل سازی معادله ساختاری همسو با یافته های حاصل از آزمون فرضیات بوده است؛ هرچند تفاوت جزئی در مقدار ضرایب دیده می شود، اما کلیت کار در راستای هم و هم جهت هستند.

بحث و نتیجه گیری

پیشگیری از جرم و انحراف یکی از موفق ترین راهبردهای جوامع در مواجهه با جرایم است. امروزه، اهمیت رویکردهای پیشگیرانه به جای رویکردهای قهری، متخصصان جرم شناسی و اندیشمندان اجتماعی را بر آن داشته تا بر مصادیق پیشگیرانه تمرکز بیشتری داشته باشند. در زمینه انحرافات جنسی نیز مقوله ازدواج می تواند به عنوان مهمترین راهبرد مطرح باشد. امروزه، گسترش انحرافات جنسی عواقب ناگواری چون از بین رفتن احساس امنیت، سستی بنیان خانواده، جریحه دار شدن احساسات عمومی، شیوع بی قانونی در جامعه و حتی سایر جرایم غیرجنسی را به دنبال خواهد داشت. تجزیه و تحلیل ها نشان می دهد که نرخ ازدواج رابطه معکوس با میزان جرم خشن، جرایم ملکی، مصرف مواد مخدر و خشونت جنسی دارد (راکیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۳۰) و ازدواج رفتار مجرمانه را کاهش می دهد و تمایل افراد به ازدواج با شرکای جنایتکار به نوعی اثر محافظتی در ازدواج قلمداد می شود (وان شالن^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۴۵). بنابراین، تدابیر و اقدامات پیشگیرانه نباید منحصر به تدابیر کیفری گردد؛ بلکه، پیشگیری موفق و اثربخش زمانی است که از یافته های سایر علوم مثل علوم جامعه شناسی،

1 Rocque

2 van Schellen

علوم تربیتی، علوم دینی و سایر علوم مرتبط مدد گرفته و تدابیری جهت پیشگیری از جرایم ارائه شود. از آنجایی که لازمه ارائه راهکارهای پیشگیرانه، ریشه‌یابی و علت‌یابی هر جرم است، بنابراین ازدواج یکی از بهترین راهبردهای پیشگیرانه برای پیشگیری از انحرافات جنسی است. انحرافات جنسی انواع مختلفی دارند و به پنج دسته کلی: ارتباط با جنس مخالف، روابط عاشقانه خارج از عرف، سکس مجازی و ارتباط تلفنی، سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان و لواط و همجنسگرایی تقسیم شده‌اند. البته، لازم به ذکر است که بدون ریشه‌یابی عامل وقوع جرم نمی‌توان انتظار دست‌یابی به تدابیر صحیح و کارآمد پیشگیرانه را داشت. در مورد تعرضات جنسی نیز برای اتخاذ تدابیر مناسب در جهت کاهش این خشونت باید عوامل مؤثر بر آن را شناخت. بی‌شک، انگیزه ارضای میل جنسی در این جرم، عمده‌ترین محرک ارتکاب جرم است. بر همین اساس، ازدواج به عنوان یکی از راه‌های ارضای سالم غرایز جنسی نقش مهمی در کاهش انحرافات جنسی دارد. از طرف دیگر، مقوله ازدواج دارای سه بُعد مهم تعهد زناشویی، مسئولیت‌پذیری زناشویی و خودکنترلی است که این سه عوامل جایگاه مهمی در پیشگیری از جرایم جنسی دارند و بر پایه نظریات موجود و آمارهای در دسترس، هر چقدر میزان تعهد زناشویی در افراد بیشتر باشد، میزان جرایم جنسی نیز کمتر خواهد بود. در مورد دو متغیر مسئولیت‌پذیری زناشویی و خودکنترلی نیز نتایج نشان می‌دهند که این عوامل تاثیر مثبتی در پیشگیری از جرایم دارند. نتایج این پژوهش نشان داده که با برخی از پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی تاثیر آموزش جنسی بر بهبود رضایت زناشویی زوجین، محمودی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی نقش ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی زنان و نوابخش و محمدی (۱۳۹۵) در بررسی شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق، همسو و هم‌جهت است.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۹۵). *بازشناسی تحلیلی نظریه های مدرن جامعه شناسی*. انتشارات نشر علم.
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۹۶). *جامعه شناسی خانواده ایرانی*. انتشارات سمت.
- تریاندیس، هری س. (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی. نشر رسانش
- حسینی، سیدحسین؛ صفری، صادق. (۱۳۹۴). نقش جنسیت مونث در ارتکاب و پیشگیری از جرایم جنسی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۳(۱۱)، ۱۶۷ - ۱۴۷.
- https://jclr.atu.ac.ir/article_1447.html
- خطیبی، شهلا؛ گودرزی، محمود؛ یاراحمدی، یحیی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری و نیازهای بنیادین گلاسر با ازدواج رضایت مند: نقش میانجی تاب آوری. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۲(۶)، ۳۳-۱۶.
- https://mjms.mums.ac.ir/article_16175.html
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۰). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*. انتشارات سروش.
- شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش جنسی بر بهبود رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه تحقیقات نظام سلامت*، ۶(۴)، ۶۹۷ - ۶۹۰.
- <http://hsr.mui.ac.ir/article-1-183-fa.html>
- عبدالمهی، سامان. (۱۴۰۱). از علت شناسی قربانیان جرائم جنسی تا کارآمدی پلیس تخصصی. *کارآگاه*، ۱۶(۵۹)، ۱۴۷-۱۲۳.
- http://det.jrl.police.ir/article_98630.html
- عطاشنه، منصور؛ بصیری نیا، ابوالحسن؛ ابراهیمی نسب، یوسف. (۱۳۹۱). بررسی علل و عوامل آثار جرایم جنسی علیه زنان در منظر قوانین حقوق کیفری ایران. *نشریه زن و فرهنگ*، ۳(۱۱)، ۱۰۹ - ۹۹.
- <https://www.sid.ir/paper/189758/fa>
- کریمتیر، رابرت؛ کینیکی، آنجلو. (۱۳۸۴). *رفتار سازمانی*. ترجمه دکتر علی اکبر فرهنگی و دکتر حسین صفرزاده. انتشارات پیام پویا.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *جامعه شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. نشر نی.
- محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی ازدواج. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲(۲۶)، ۲۰۲ - ۱۷۲.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/236990/>
- محمدی، حامد؛ نوابخش، مهرداد؛ مهدوی، محمدصادق. (۱۴۰۱). شناسایی مولفه های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۴(۵۱): ۹۳-۸۱.
- https://journals.srbiau.ac.ir/article_20364.html
- محمودی، مریم؛ میریان، سیداحمد؛ محمدقاسمی، حمید. (۱۴۰۳). نقش ازدواج در پیشگیری از انحرافات جنسی زنان از منظر قرآن و عهدین. *بینش قرآنی و عرفان اسلامی*، ۴(۱)، ۴۳-۳۳.

<http://imqv-journal.com/article-1-142-fa.html>

-معمدین، مختار؛ سهرابی، فریبا؛ فتحی آذر، اسکندر؛ ملکی، صادق. (۱۳۸۷). مقایسه بهداشت روانی، رضایت زناشویی و ابراز وجود والدین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و عادی در استان آذربایجان غربی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۳۵)، ۱۵۲-۱۲۳.

<https://ensani.ir/fa/article/36604/>

-ملکی آوارسین، صادق؛ سید نظری، نیر. (۱۳۹۷). دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۱۱(۴۲)، ۲۷-۷.

https://journals.iau.ir/article_667503.html

-نوابخش، مهرداد؛ محمدی، حامد. (۱۳۹۵). شناسایی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی تحکیم خانواده در راستای پیشگیری از طلاق با تاکید بر پایگاه اجتماعی (مطالعه موردی خانواده‌های زیر ۵ سال تشکیل شهر تهران). *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۸(۳۱)، ۵۹-۳۹.

<https://www.sid.ir/paper/1064015/fa>

-نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ رحیمی، عبدالله. (۱۴۰۰). مدیریت جنسی خانواده و نقش آن در اخلاق‌مداری و سلامت جنسی فرزندان. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی*، ۱۷(۴۳)، ۸۰-۴۵.

https://akhlagh.morsalat.ir/article_72621.html

-Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.

<https://psycnet.apa.org/buy/1997-04066-016>

-Andrews, D. A., Bonta, J., & Wormith, J. S. (2011). The Risk-Need-Responsivity (RNR) Model: Does Adding the Good Lives Model Contribute to Effective Crime Prevention?. *Criminal Justice and Behavior*, 38(7), 735-755.

<https://doi.org/10.1177/0093854811406356>

-Braithwaite, S. R., & Fincham, F. D. (2014). Computer-based prevention of intimate partner violence in marriage. *Behaviour research and therapy*, 54, 12-21.

<https://psycnet.apa.org/record/2014-08484-004>

-Cao, H., Fang, X., Fine, M. A., Ju, X., Lan, J., & Zhou, N. (2017). Sacrifice, commitment, and marital quality in the early years of Chinese marriage: An actor-partner interdependence moderation model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34(7), 1122-1144.

<https://doi.org/10.1177/0265407516670041>

-Chiu, Y.-N., & Leclerc, B. (2021). Scripting Stranger Sexual Offenses Against Women. *Sexual Abuse*, 33(2), 223-249.

<https://doi.org/10.1177/1079063219889055>

-Cohen, P. N., & Pepin, J. R. (2018). Unequal Marriage Markets: Sex Ratios and First Marriage among Black and White Women. *Socius Sociological Research for a Dynamic World*, 4(2), 237802311879108.

<http://dx.doi.org/10.1177/2378023118791084>

-Dollahite, D., & Lambert, N. (2007). Forsaking All Others: How Religious Involvement Promotes Marital Fidelity in Christian, Jewish, and Muslim Couples. *Review of Religious Research*, 48(3), 290-307.

<http://www.jstor.org/stable/20447445>

- Fincham, Frank D., Beach, Steven R. H. (2010). Marriage in the New Millennium: A Decade in Review. *Journal of Marriage & Family*, 72(3), 630–649. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00722.x>
- Finlay, A. K., McGuire, J., Bronson, J., & Sreenivasan, S. (2019). Veterans in Prison for Sexual Offenses: Characteristics and Reentry Service Needs. *Sexual Abuse*, 31(5), 560–579. <https://doi.org/10.1177/1079063218793633>
- Glasser, W. (2009). *Fibromyalgia: Hope from a Completely New Perspective*. William Glasser.
- Harmon, Kh. D. (2005). *black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction*. unpublished doctoral dissertation. university of Alabama.
- Janetius, T. (2004). Marriage and marital adjustment. Retrieved July, 22, 2017. <https://janetius.page.tl/Marriage-and-Marital-Adjustment.htm>
- Johnson, M. P., Caughlin, J. P., & Huston, T. L. (1999). The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married. *Journal of Marriage and the Family*, 61(1), 160–177. <https://doi.org/10.2307/353891>
- Jung, H., & Sim, Y. (2020). Reducing information asymmetry before marriage: Evidence from South Korea. *Asian and Pacific Migration Journal*, 29(1), 79–100. <https://doi.org/10.1177/0117196820910812>
- King, L. L. (2019). Perceptions About Sexual Offenses: Misconceptions, Punitiveness, and Public Sentiment. *Criminal Justice Policy Review*, 30(2), 254–273. <https://doi.org/10.1177/0887403416660150>
- Kjeldal, S.E. (2003). Self-Monitoring and Consumer Behavior. *The Qualitative Report*, 8(3), 353–376. <https://nsuworks.nova.edu/tqr/vol8/iss3/2/>
- Kotanan, R., & Kronstedt, J. (2019). Attribution of responsibility for sexual crimes beyond individual actors – construction of responsibility of offenders, victims and society in laypersons' explanations. *International Review of Victimology*, 25(3), 358–374. <https://doi.org/10.1177/0269758018818931>
- Manjula V., Munivenkatappa M, Navaneetham J, Philip M. (2021). Quality of Marital Relationship and Sexual Interaction in Couples With Sexual Dysfunction: An Exploratory Study From India. *Journal of Psychosexual Health*, 3(4), 332–341. [doi:10.1177/26318318211047547](https://doi.org/10.1177/26318318211047547)
- Mosko, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy*. Purdue University, West Lafayette, Indiana.
- Netting, N. S. (2010). Marital Ideoscapes in 21st-Century India: Creative Combinations of Love and Responsibility. *Journal of Family Issues*, 31(6), 707–726. <https://doi.org/10.1177/0192513X09357555>
- Nomaguchi, K. M., Giordano, P. C., Manning, W. D., & Longmore, M. A. (2011). Adolescents' Gender Mistrust: Variations and Implications for the Quality of Romantic Relationships. *Journal of marriage and the family*, 73(5), 1032–1047. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2011.00855.x>
- Rocque, M., Posick, C., Barkan, S. E., & Paternoster, R. (2015). Marriage and County-level Crime Rates: A Research Note. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 52(1), 130–145.



<https://doi.org/10.1177/0022427814547113>

-Strandell, J. (2018). Increasing Marriage Rates Despite High Individualization: Understanding the Role of Internal Reference in Swedish Marriage Discourse. *Cultural Sociology*, 12(1), 75–95.

<https://doi.org/10.1177/1749975517722476>

-Sutton, T. E. (2019). Review of attachment theory: Familial predictors, continuity and change, and intrapersonal and relational outcomes. *Marriage & Family Review*, 55(1), 1-22.

<https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/01494929.2018.1458001>

-Tang, C.-Y., & Curran, M. A. (2013). Marital Commitment and Perceptions of Fairness in Household Chores. *Journal of Family Issues*, 34(12), 1598–1622.

<https://doi.org/10.1177/0192513X12463185>

-Uziel, L., & Baumeister, R. F. (2017). The Self-Control Irony: Desire for Self-Control Limits Exertion of Self-Control in Demanding Settings. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 43(5), 693–705.

<https://doi.org/10.1177/0146167217695555>

-Van Schellen, M., Poortman, A.R., & Nieuwbeerta, P. (2012). Partners in Crime? Criminal Offending, Marriage Formation, and Partner Selection. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 49(4), 545–571.

<https://doi.org/10.1177/0022427811414197>

-Wilkowski, B. M., Ferguson, E. L., Williamson, L. Z., & Lappi, S. K. (2018). (How) Does Initial Self-Control Undermine Later Self-Control in Daily Life?. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 44(9), 1315–1329.

<https://doi.org/10.1177/0146167218766857>